



نیمه + کتاب

چرا در سوریه جنگیدیم؟

گفت‌وگو با نیما اکبرخانی
نویسنده رمان «اثریا»

جنگ سوریه با روایت‌های تکان‌دهنده‌اش، انگیزه خلق «اثریا» شد؛ رمانی که از کف میدان جنگ با زبانی عامیانه، حقیقت‌های تلخ نبرد را بیان می‌کند. راوی این داستان، رزمنده‌ای است که نه با قلم رسمی، بلکه شبیه پدری برای فرزندش، از سختی‌های نبرد و شوق بازگشت به جبهه می‌نویسد: «بخوان تا بدانی چرا برگشتیم تا دوباره بجنگیم». نیما اکبرخانی، نویسنده این رمان در گفت‌وگوی پیش‌رو، از نقش ادبیات جنگ در بیان تجارب گذشتگان و آگاهی از تاریخ صحبت کرده است.

جنگ سوریه پر از ماجراهای عجیب و تکان‌دهنده است؛ چه شد که این رمان را نوشتید؟

من به ادبیات علاقه‌مند بودم و اولین اثر من نیز کتاب «اثریا» بود. البته به‌طور خاص، مخاطب ادبیات جنگ بودم. پیش‌تر نیز آثار دفتر ادبیات و هنر مقاومت آقای سرهنگی و تاریخ شفاهی‌ها را بسیار دوست داشتم و مطالعه می‌کردم. همچنین نمونه‌های جنگی سایر کشورها را بررسی می‌کردم. احساس کردم در حوزه رمان، برای جنگ سوریه عملاً کاری انجام نمی‌دهیم. به‌علاوه، زمانی که من کتاب «اثریا» را نوشتم، خاطرات رزمندگان هنوز منتشر

نشده بود و فقط یک سری روایت‌ها وجود داشت: مانند روایت همسران شهدای بزرگوار و مادران شهدا. این موارد تنها اطلاعات موجود بودند و چیزی بیشتر از آن در دسترس نبود؛ بنابراین، من تصمیم گرفتم رمانی بنویسم. بالاخره باید محتوایی تولید می‌کردیم.

«اثریا» داستان جنگ است. آیا به پیش‌زمینه‌ای برای مطالعه نیاز دارد؟

نه، نیازی نیست. «اثریا» داستانی است که از یک صبح تا شب روایت می‌شود و تنها مقداری اضافات دارد. اصل داستان در یک صبح تا غروب می‌گذرد. این داستان جنگی است و نوجوانانی هم که

کتاب‌خوان هستند، می‌توانند آن را بخوانند. البته کمی هم خشن است؛ اما اگر مخاطب در برابر آن حالت دفاعی نداشته باشد و بداند که دارد ادبیات جنگ می‌خواند، مسئله‌ای نخواهد بود. درنهایت، ادبیات جنگ همین است.

چرا «اثری» را با لحن محاوره‌ای و متفاوت از سایر کتاب‌های ادبیات مقاومت نوشته‌اید؟

سعی کردم ادبیات آن به زبان روزمره‌ای که ما اکنون با یکدیگر صحبت می‌کنیم، نزدیک باشد. مدافعان حرم و رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس هرگز به زبان ادبیات رسمی با یکدیگر سخن نمی‌گفتند.

**ما دفاع مقدس را ندیده‌ایم؛ اما شاهد
حمله اسرائیل به کشورمان را بوده‌ایم. از نگاه
یک نویسنده ادبیات جنگ، فکر می‌کنید روایت
جنگ‌های امروزی، مانند سوریه و فلسطین،
برای هم‌سن‌وسالان ما چه تفاوتی با
مخاطبان دیگر دارد؟**

اکنون تنها کسی می‌تواند جنگ را درک کند که
تجربه‌ای از آن داشته باشد. شما باید به حرف‌هایی
توجه کنید که مثلاً یک دهه پیش در جامعه ما مطرح
می‌شد و متأسفانه خریداری نداشت. این جمله که «اگر
ما در سوریه نجنگیم، باید در ایران بجنگیم»، ناگهان

مورد توجه قرار گرفت و این تأثیر خود جنگ است. حال اگر ما بتوانیم ادبیات را به‌خوبی تولید کنیم، می‌تواند اثر مثبتی داشته باشد. وظیفه ادبیات، انتقال تجربه زیسته است؛ یعنی شما خود را به‌جای شخصیت‌های یک داستان می‌گذارید و در زندگی آن‌ها مشارکت می‌کنید.

از تأثیر ادبیات جنگ در آگاهی از اتفاقات گذشته گفتید. خواندن تاریخ جنگ‌ها چه کمکی به ما در درک وضعیت امروز می‌کند؟

تاریخ جنگ‌ها قطعاً کمک‌کننده‌تر و اثرگذاری‌اش بیشتر است؛ مثلاً کسی که تاریخ جنگ‌ها را از سال ۱۹۵۰

به بعد بخواند، می‌تواند درکی کامل از نظام سلطه، ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و بسیاری از مسائل دیگر پیدا کند و آن‌ها را بررسی کند. منتها ضعفی در این موضوع وجود دارد؛ اینکه کمی سخت‌خوان است.

اینجاست که ادبیات داستانی جنگ به کمک می‌آید. ادبیات، دست مخاطب را می‌گیرد و او را راهنمایی می‌کند. ادبیات جذاب است، تعلیق دارد و کشش ایجاد می‌کند؛ فصل‌ها سر موقع تمام می‌شوند و سر موقع آغاز می‌شوند. این کمکی است که ادبیات می‌کند.